

در این سری از کلاس ها می خواهیم در مورد کلیساهای مختلف صحبت کنیم. اول آنچه را که در کلاس گذشته آموختیم خلاصه می کنم.

در کلاس اول ما ثابت کردیم که کلیسا تنها یکی است زیرا فقط یک بدن مسیح وجود دارد. حتی اگر کلیساهای متفاوتی در این جهان ظاهر شوند، این موضوع باقی می ماند که تنها یک کلیسا وجود دارد که بدن مسیح شکل می دهد. با وجود این، مسیح ما را در تاریکی نگذاشته است که کلیسای زمینی را کجا می توانیم پیدا کنیم. کلیسا در هر جایی است که کلام خدا به درستی آموخته می شود و در آنجا شام آخر مقدس و غسل تعمید به درستی اجرا می شوند.

سپس در مورد کلیسای کاتولیک رومی صحبت کردیم. جدی ترین تفاوت های کلیسای کاتولیک رومی در دو اصطلاح الهیات تعریف شده است. کلیسای کاتولیک درک متفاوتی از ذات انسان و درک متفاوتی از گناه دارد. منظور این کلیسا این است که انسان بخش بزرگی از ذات خدا را حفظ کرده است. به همین دلیل است که آنها گناه ارثی را به عنوان سقوط متلاقی درک نمی کنند و بنابراین انسان و کلیسا باید برای رسیدن به رستگاری فردی با خدا همکاری کنند. در مقابل آن، مارتین لوتر ۴ چیز را تعریف کرد که در آن تنها خدا مؤثر است: کلمه به تنهایی، فیض به تنهایی، عیسی به تنهایی و ایمان به تنهایی.

امروز می خواهیم در مورد کلیسای ارتدکس صحبت کنیم:

کلمه "ارتدوکس" در زبان مدرن دارای معانی منفی است. به عنوان مثال فرد ارتدوکس، فرد "سرسختی" است. اما در نظر کلیسای ارتدکس، اصطلاح ارتدکس به این معنا نیست بلکه به معنای «خدا را به شیوه درست پرستش کردن، یعنی برگزار کردن مراسم دعا به شیوه درستی». در واقع به معنای "پرستش خدا به روش صحیح" است. کلیسای لوتری نیز عبادت دعا را در مرکز زندگی مسیحی می داند. زیرا گفته ایم: «هرجا که کلام خدا به درستی تعلیم داده می شود و شام آخر و تعمید به درستی اجرا می شود» کلیسا وجود دارد. بنابراین ما نیز شباهت های زیادی با کلیسای ارتدکس داریم.

با این حال، وقتی صحبت از کلیسای ارتدکس می شود، باید گفت که فقط یک کلیسای ارتدکس وجود ندارد، بلکه بسیاری از آنها اغلب خود را به عنوان کلیساهای ملی می بینند و همچنین خود را از نظر فرهنگی و ملی از سایر کلیساها متمایز می کنند. برای مثال، کلیسای ارتدکس روسیه و کلیسای ارتدکس اوکراین وجود دارد. به همین ترتیب کلیسای ارتدکس یونان. خاستگاه کلیسای ارتدکس از سیاست سرچشمه دارد. در تاریخ، امپراتوری روم به دو بخش غربی و شرقی تقسیم شد. این اتفاق در سال ۳۹۵ میلادی رخ داد. رم، مقر اصلی کلیسای غربی و قسطنطنیه (استانبول امروزی) مقر کلیسای شرقی بود. در حالی که کلیسا در غرب با زبان و فرهنگ لاتین شکل گرفت، فرهنگ یونانی-در بخش شرقی امپراتوری شکل گرفت. با گذشت زمان، این امر باعث شد که کلیساها در شرق و غرب امپراتوری مستقل از یکدیگر شوند. سرانجام، در سال ۱۰۵۴، پاپ غربی کل کلیسای شرق را تکفیر کرد. کلیسای غربی که جنگ صلیبی ایجاد کرد حتی در سال ۱۲۰۴ قسطنطنیه را غارت کرد. خصومت بین کلیسای کاتولیک رومی و کلیسای شرقی تا سال ۱۹۶۵ ادامه یافت. تنها پس از آن در دومین شورای واتیکان بود که پاپ کاتولیک روم و پاتریارک کلیسای شرق تکفیر متقابل خود را لغو کردند. با این وجود، روابط بین دو کلیسا دشوار است، زیرا پاپ روم خود را تنها پایی تنهایی می داند که می تواند وجود داشته باشد. با وجود این، این دو کلیسا برای ایجاد آموزه های مشترکی که هنوز وجود دارد و توسط کلیسای ما نیز به رسمیت شناخته شده است، ملاقات کردند: اینها عبارتند از:

اعتقاد نامه ی نیقیه در سال ۳۲۵، که در آن الوهیت واقعی مسیح به رسمیت شناخته شد،

اعتقاد نامه ی قسطنطنیه در سال ۳۸۱ که در آن الوهیت روح القدس به رسمیت شناخته شد.

اعتقاد نامه ی افسس، در سال ۴۳۱، که در آن انسانیت و الوهیت عیسی به طور همزمان به رسمیت شناخته شد.

و اعتقاد نامه ی کلسدون در سال ۴۵۱، که تاکید کرد مسیح دو ذات الهی و انسانی دارد، که غیرقابل تلفیق و جدایی ناپذیر هستند، به اصطلاح «آموزه دو ذات مسیح».

این اعتقادات در کلیسای غرب و بنابراین در کلیسای لوتری نیز پذیرفته شد. با این حال، برخی از کلیساهای شرقی با جلسه ی شوراهای افسس و کلسدون موافق نبودند. به این دلیل ساده است که نمایندگان آنها حضور نداشتند. به همین

دلیل کلیساهای «نستوری» به وجود آمدند که در ایران بسیار گسترده بودند. کلیساهای نستوری به نظری رسیدند که «مونوفیزیت» نام دارد. آنها معتقدند که مسیح فقط یک ذات الهی دارد. تنها در بیست سال گذشته، تلاش‌های قابل توجهی برای نزدیک شدن بین کلیساهای «مونوفیزیت» صورت گرفته است. آن جلسه ی آخر، به وضوح نشان داده است، چگونه بسیاری از سوء تفاهم‌های سیاسی و فرهنگی به انشعاب در قرن پنجم کمک کرده است. با این حال، این تقسیم بندی تا به امروز برطرف نشده است.

متأسفانه، کلیساهای ارتدکس متعاقباً به کلیساهای ملی تبدیل شدند. به عنوان مثال، کلیسای ارتدکس روسیه. پس از افول قسطنطنیه به دلیل گسترش اسلام، مسکو به عنوان مقر پاتریارک ارتدوکس روسیه اهمیت یافت. با وجود این، پدرسالار مسکو هرگز وضعیتی مشابه پاپ در رم نداشت. در عوض، مشخصه ی کلیساهای ملی ارتدکس این است که هر یک «خودسرانه» هستند، به این معنی که آنها مستقل از کلیساهای دیگر هستند و تابع هیچ پدرسالار دیگری نیستند. اسقف اعظم قسطنطنیه توسط دولت ترکیه بسیار سرکوب شده است.

یک مشخصه نظر ارتدوکس این است که ارتباط با کلیسا برابر با ارتباط با دولت است. هر کسی که روسی یا یونانی باشد به طور خودکار ارتدوکس روسی یا ارتدوکس یونانی است (البته از طریق غسل تعمید). بنابراین، کلیساهای ارتدکس نمی خواهند این ایده را بپذیرند که کلیساهای دیگری در قلمرو «آنها» وجود داشته باشند. با این حال، بسیاری از نمایندگان کلیساهای ارتدکس اساساً نمی توانند همه کلیساهای غیر ارتدوکس را به عنوان کلیسای واقعی ببینند. این نظر اغلب منجر به این رفتار می شود که آنها تعمید کلیسای دیگری را قبول نمی کنند. متأسفانه، هنوز هم در آلمان این اتفاق می افتد، اگرچه نمایندگان کلیساهای ارتدکس در سال ۲۰۰۷ غسل تعمید دیگری را قبول کردند (مثلاً در SELK ما)، در رفتار عملی آن را قبول نمی کنند.

کلیسای ارتدکس خود را در ارتباط مستقیم با اولین کلیسای مسیحی می بیند. بنابراین کلیسا علاقه ای به انطباق با تفکر مدرن ندارد. این ایده مشکل دارد زیرا آنها اصلاً تاریخ خود را زیر سؤال نمی برند. همچنین برای اعضایشان دشوار است زیرا هنوز از زبان های باستانی در عبادت استفاده می کنند که برای مؤمنان قابل درک نیست. به عنوان مثال، زبان اسلاوی قدیم در کلیسای ارتدکس روسیه و زبان یونانی باستان در کلیسای ارتدکس یونان. کلیساهای ارتدکس به طور گسترده، بخشی توسط اسلام و بخشی توسط کمونیسم سرکوب شده اند. امروزه کلیسای ارتدکس روسیه متحد دولت است و از منافع ملی روس ها برای گسترش قلمرو خود حمایت می کند. این البته منجر به جدایی بیشتر کلیسای ارتدکس اوکراین شده است.

آموزه کلیسای ارتدکس: در حالی که آموزه تثلیث در کلیسای انجیلی اغلب، به اصطلاح، در مسیر نجات خدای ما برای ما انسان ها ادغام می شود، آموزه تثلیث بخش بسیار مهم تری در کلیسای ارتدکس است. به همین دلیل است که کلیسای ارتدکس تأکید می کند که در اعتقادنامه نیقی، -همانطور که ما آن را اظهار می کنیم، در جایی که می گوید: روح القدس از جانب پدر سرچشمه می گیرد،- باید بگوییم که روح القدس نه تنها از پدر بلکه از پسر نیز سرچشمه می گیرد. این موضوع برای مسیحیان ارتدوکس بسیار مهم است و تا به امروز مهمترین تفاوت اعتقادی بین مسیحیان رومی و ارتدوکس این تفاوت الهیت باقی مانده است. در تفکر کلیسای ارتدکس، تجسم از طریق تولد عیسی و رستاخیز او بسیار مهم هست. در حالی که لوتریان تأکید خاصی بر صلیب دارند. این را می توانید در کلیساها نیز ببینید. در کلیساهای لوتری صلیب همیشه در مرکز قرار دارد. در کلیسای ارتدکس یک آیکونوستاز در مرکز وجود دارد. آیکونوستاز دیواری است که در آن پیکره های مختلفی به تصویر کشیده شده اند. در آنجا بر تجسم مسیح و رستاخیز او تأکید می شود. رسولان نیز اغلب در آنجا به تصویر کشیده شده اند.

اغلب در مورد نمادها در کلیسای ارتدکس اختلاف نظر وجود داشت. مردم به این فکر می کردند که آیا تصویر را می پرستند یا خدا را. ارتدوکس ها اغلب آن را اینگونه توضیح می دهند: آنها مسیح را به گونه ای می پرستند که گویی از بین پنجره دیده می شود. منظور آنها از این موضوع این است که آنها به تصویر نماد نگاه می کنند اما در واقع خدای پشت آن را می پرستند. مریم نیز به عنوان مادر خدا مورد احترام است. همانطور که در شورای افسس در سال ۴۳۱ تأسیس شد. مریم همچنین توسط کلیسای لوتری به عنوان مادر خدا مورد احترام است. اما در کلیسای ارتدکس این احترام اغلب اغراق آمیز است، به طوری که احترام بسیار نزدیک به دعا می شود.

در حالی که در کلیسای لوتری پارسا شمردن گناهکاران در اهمیت است.....رومیان ۳، ۲۳ تا ۲۴ مطالعه کنید: «همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند. 24 اما به فیض او و به واسطه آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است، بهر ایگان پارسا شمرده می شوند.» ، الهیات ارتدکس در این زمینه که از "الوهیت شدن انسان" و اینکه انسان ها ذات خدا را از روح القدس می پذیرند صحبت می کند ، با آموزه های لوتری تفاوت زیادی ندارد. خود لوتر می تواند

از خدا بگوید که «مسیح، پسر عزیزش، بر ما می‌ریزد و خود را به ما جاری می‌کند و ما را به درون خود می‌کشد، به طوری که او کاملاً انسان می‌شود و ما کاملاً خدایی می‌شویم». از سوی دیگر، الهیات ارتدکس ارزیابی بسیار مثبتی از توانایی انسان برای کمک به نجات خود پس از سقوط دارد. درست مانند کلیسای کاتولیک روم. کلیسای ارتدکس نیز ۷ آیین مقدس دارد. در حالی که کلیسای لوتری فقط شام آخر و تعمید را به رسمیت می‌شناسد.

غسل تعمید: بچه های تازه غسل تعمید داده شده نیز برای اولین بار بلافاصله پس از غسل تعمید شام آخر را دریافت می کنند..

مسح مایرون، دریافت روح القدس پس از غسل تعمید: در کلیسای لوتری این امر به عنوان تأیید درک می شود. بنابراین کلیسای ارتدکس تأییدی ندارد. در نتیجه، آموزش کودکان در میان ارتدکس ها کمتر وجود دارد.

در شام آخر، کلیساهای ارتدکس نیز به حضور واقعی مسیح در شام آخر خداوند اعتقاد دارند. شباهت دیگر با ارتدوکس ها این است که کشیش های ارتدکس نیز مجاز به ازدواج هستند - اما آنها باید قبل از منصوب شدنشان به عنوان کشیش ازدواج کرده باشند. پس از آن این دیگر امکان پذیر نیست. از سوی دیگر، اسقف ها مجاز به ازدواج نیستند. بنابراین آنها اغلب راهبان یا کشیشان سابق هستند.